



مجلسی می خواهند همچون شیر بی یال و دم و اشکم!

**گروهی معتقدند اگر مجلس در همین مسیر پیش برود و اقدامی برای
حفظ جایگاه آن نشود، در آینده مجلس حالتی نمایشی و خاصیتی
ویتیرینی پیدا خواهد کرد**

سویی بر کل نظام باقی می گذارد؟ این هانمایندگانی هستند که از صافی های متعدد، منجمله همان شورای نگهبانی که خود را از حق نظارت استصوابی هم برخوردار می داند، گذشته اند. با این وصف، آیا

فراکسیون اصلاح طلبان (که تقاضا کرد نامش فاش نشود): "اگر هم همین حالا مجلس رایک شیر بی یال و دم و اشکم تلقی نکنیم، ادامه روند کنونی آن را به چنین موجودی تبدیل خواهد کرد."

مجلس شورای اسلامی، یکی از سه رکن جمهوری اسلامی ایران، اینک به جای آن که طبق توصیف بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران (ره) "در رأس امور" باشد، در ذیل فهرستی از انواع اتهامات و محدودیت ها قرار دارد. این مجلس، اکنون نه فقط فرصتی ندارد که به تامین منافع ملت (موکلان خود) بپردازد، بلکه حتی از یک موقعیت مناسب هم برای دفاع از کیان خویش محروم است.

سه نماینده عضو این مجلس یا به زندان افتاده اند و یا در آستانه زندانی شدن هستند. برای ۶۰ نماینده دیگر نیز پرونده هایی تشکیل شده است که اگر وضع تغییر نیابد، متهمان آنها، یعنی گروهی دیگر از نمایندگان مجلس، باید خود را آماده زندان رفتن کنند. مجلس ششم، این شرایط را در حالی از سر می گذراند که به نیمه عمر خود نزدیک می شود و اگر نتواند بر بحران های کنونی و آتی غلبه یابد، مشخص نیست سرنوشت روندی که به جنبش اصلاحی دوم خرداد موسوم شده و یکی از ستون های اصلی آن همین مجلس است، پس از پایان عمر آن در سال ۱۳۸۲ به کجا خواهد انجامید؟ (البته اگر در آینده مجلس ششم با شرایطی مواجه نشود که عمر طبیعی ۴ ساله آن را کوتاه کند!)

کوتاه شدن عمر مجلس ششم امری بعید نیست، زیرا نه فقط امکان دارد عواملی بیرون از مجلس چنین وضعی را ایجاد کنند، بلکه از درون خود مجلس هم زرمه هایی در مورد استعفای دسته جمعی نمایندگان شنیده شده است. به قول یکی از نمایندگان مستقل متمایل به



جلسات روسای سه قوه تاکنون برای کاهش تنش بین مجلس، قوه قضاییه و دولت نتیجه ای نداده است.

طرح چنان ادعایی، این فکر را به ذهن مراکز قدرت خارجی خطور نمی دهد که دستگاه های اطلاعاتی، امنیتی و نظارتی ایران چنان ولنگ و بازند که با آن همه امکانات و اقتداراتی که دارند، فاقد قدرت شناسایی نفوذی ها هستند. این حرف ها برای ملت ایران و نظام و من نیست؟... آیا ماندن در این مجلس فایده ای دارد؟

همین نماینده با تأثر می گوید: "من مدعی نیستم که مجلس نقص ندارد، اما وقتی می آیند و می گویند عوامل نفوذی به مجلس راه یافته اند، چه شأنی برای این مجلس باقی می ماند؟ وقتی نماینده اش را به دلیل اظهار نظر زندانی می کنند، از حرمت نمایندگی چیزی باقی می ماند؟ وقتی می گویند نفوذی ها به مجلس راه یافته اند، فکر این را کرده اند این ادعا چه اثرات

کوشش‌های جدید برای ایجاد محدودیت‌های بیشتر

دیدگاه این نماینده را نمی‌توان نظریات تمامی نمایندگان مجلس تلقی کرد. اما واقع امر این است که زندانی شدن نمایندگان مجلس ضربه سنگینی بوده است که با شدت و ضعف، بر همه نمایندگان وارد آمده است.

نمایندگان، اصل هشتاد و ششم را صریح و تفسیرناپذیر می‌دانند. این اصل صراحت دارد: "نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس ابراز کرده‌اند یا آرای که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند، تعقیب یا توقیف کرد."

برداشت‌های خاص از اظهار نظر یک نماینده و آن را از مصادیق توهین و تهمت تلقی کردن و سپس وی را به زندان انداختن و برای ۶۰ نماینده دیگر به اتهاماتی مشابه، پرونده تشکیل دادن، مجلس را در حالت تدافعی قرار می‌دهد. نمایندگان دچار خشم یا

سرخوردگی می‌شوند. خشم به صورت تهدید به استعفای جمعی تظاهر می‌کند و سرخوردگی به صورت گفته‌های نماینده‌ای که نظریاتش را در بالا آوردیم.

گروهی از مدافعان شرایط کنونی، برخورد با نمایندگان را صرفاً برخوردی قضایی و منطبق با موازین قضا می‌دانند و بر آن هم تاکید و اصرار دارند، اما نمایندگان فراکسیون اصلاح طلبان و هم فکران ایشان در خارج از مجلس، چنین برخوردهایی را در راستای از حرکت انداختن ماشین اصلاح طلبی و زمینه سازی برای تشکیل مجلس هفتم، با ترکیبی از نمایندگان کاملاً دست چین شده ارزیابی می‌کنند. در همین مورد حجت الاسلام محتشمی رییس فراکسیون دوم خرداد مجلس گفته است: "استراتژی گذر از جمهوریت در دستور کار مخالفان اصلاحات قرار دارد." آنها می‌گویند:

محافظه کاران افزودن حق نظارت استصوابی بر اختیارات شورای نگهبان و سپس در مجلسی که اکثریت را نمایندگان طرفدار محافظه کاران داشتند

قانون انتخابات مصوب سال ۱۳۷۴) این اطمینان را برای محافظه کاران به وجود آورده بود که جایگاه خود را در مجلس و سایر مراجع قدرت و تصمیم‌گیری تثبیت کرده‌اند، اما رویداد دوم خرداد ۱۳۷۶ و سپس تصرف اکثریت کرسی‌های مجلس از سوی اصلاح طلبان (علی‌رغم اعمال نظارت استصوابی و رد صلاحیت بسیاری از کاندیداهای مورد حمایت اصلاح طلبان) محاسبات آنان را در هم ریخت.

ما (اصلاح طلبان) می‌گوییم افزودن حق نظارت استصوابی بر اختیارات شورای نگهبان مغایر روح قانون اساسی است. اما آنها به جای بحث در این باره و پاسخ دادن به شبهات موجود (در صورتی که پاسخی وجود داشته باشد) اهرم‌های دیگری را برای حذف اصلاح طلبان به کار می‌گیرند. اصل نود و نهم قانون اساسی می‌گوید: شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی یا همه پرسی را برعهده دارد."

وجود کلمه نظارت در این اصل، خود گویای روح اصل است. فرق بین نظارت با تحقیق در مورد شرایط یک کاندیدا (سوابق، حسن شهرت، مؤمن بودن به قانون اساسی و...) بدان حد عیان است که حاجت به بیان، توضیح و تفسیر ندارد، خصوصاً که تحقیق در این موارد را، طبق قانون، نهادهای دیگری برعهده دارند.

با وجود این، با تصویب یک قانون عادی، روح قانون اساسی را نادیده گرفتند و نظارت استصوابی را اعمال کردند و چون این نظارت هم کار ساز نشد، اکنون اهرم‌های دیگری را به کار گرفته‌اند. اصلاح طلبان بر این باورند که محافظه کاران دو هدف عمده را دنبال می‌کنند:

۱- مشغول نگه داشتن مجلس کنونی در حالت تدافعی، به نحوی که نتواند به برنامه‌های اصلاحی بپردازد و شأن آن در افکار عمومی متزلزل شود. (برخی از اصلاح طلبان که دیدگاه‌های رادیکال دارند حتی پارافراتر می‌گذارند و می‌گویند هدف، تبدیل مجلس به یک نهاد نمایشی و ویتروینی است.)

۲- آماده سازی زمینه برای کسب اکثریت در مجلس هفتم از سوی نمایندگان وابسته به محافظه کاران که در این حالت، آقای خاتمی یک سال از باقیمانده دوران ریاست جمهوری را باید با مجلسی سرکند که مخالف دیدگاهها و برنامه‌های خود خواهد بود.

و اگر این اهداف محقق شود، باید فاتحه



روزی که آقای خاتمی برای تقدیم لایحه بودجه سال ۱۳۸۱ به مجلس رفت، مصادف با جدی شدن دستگیری نماینده همدان بود. نمایندگان دور خاتمی جمع شده‌اند و از او می‌خواهند عکس العمل نشان دهد...

همدان) از سمت نمایندگی استعفا کرده اند. این شش تن عبارتند از آقایان محسن ترکاشوند، محمد پیران، محمدرضا علی حسینی، محمد کاظمی، بیژن شهبازخانی و ذبیح ضیایی.

در مورد توسل به اصل ۵۹ قانون اساسی (همه پرسی) نیز هنوز نمی توان دآوری کرد. زیرا موانعی در این مسیر قابل رویت است. یکی از موانع، به عدم همفکری اکثریت مجلس در این زمینه مربوط می شود. به عنوان نمونه، نمایندگان مستقلی که به فراکسیون اصلاح طلبان گرایش دارند و یا نمایندگان برخی گروه های دوم خردادی، احتمالاً تمایلی ندارند سرنوشت خود را در این موضوع حساس با تصمیم گیری های فراکسیون اکثریت پیوند بزنند. نکته جالب این که به نظر می رسد حتی نمایندگان عضو فراکسیون اکثریت یا واقعاً از مفاد اصل ۵۹ قانون اساسی بی خبرند یا ترجیح می دهند به جای حرف زدن درباره آن، از توسل به راه حل های دیگر سخن بگویند (اظهار نظر چند نماینده که در زیر آمده، مؤید این مدعا است). در چنین شرایطی، هر آن امکان بازداشت خانم فاطمه حقیقت جو و محمد دادفر هم وجود دارد. بازداشت یا عدم بازداشت این دو و نحوه رسیدگی به پرونده هایی که گفته می شود برای ۶۰ نماینده دیگر تشکیل شده است، در شکل گیری حرکات آتی اصلاح طلبان تاثیر عمده دارد. در آن زمان، می توان به یک اظهار نظر دقیق تر اقدام کرد. اما به هر حال، مجلس شورای اسلامی روزهای دشواری با حوادثی بی سابقه می گذراند که تداوم آنها می تواند نتایج زیرورکننده ای بر روند مردمسالاری در ایران بگذارد.

گرچه برخی خبرها حاکی است که کمیته مشترک مجلس و قوه قضاییه در زمینه توقف اجرای احکام زندان نمایندگان به توافق هایی رسیده اند، اما اگر این توافق به اجرا هم در بیاید، نمی توان بحران کنونی را خاتمه یافته تلقی کرد. چنین وضعیتی به مثابه یک آتش بس موقت است که شکننده هم هست و حمله و هجمه طرفین به زودی و از ناحیه دیگری آغاز خواهد شد.

چند اظهار نظر

در مورد عکس العمل های احتمالی اکثریت مجلس و اصلاح طلبان با تنی چند گفت و گوهای کوتاهی انجام داده اند که مطالعه آن، می تواند مکمل این نوشتار باشد.

خانم دکتر الهه کولایی نماینده مردم تهران و

وسيله كسانی که به تابعیت ایران درآمده اند) از سوی همین طیف و در راستای شایعات و اخباری که راجع به تابعیت ریاست قوه قضاییه رواج دارد، ارایه شده است.

همین طیف، یک راه حل جدی را توسل به همه پرسی می داند و مبنای کار خود را اصل ۵۹ قانون اساسی قرار داده که متن آن از این قرار است: "در مسایل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان برسد". پرسش اساسی در این مورد این است که آیا

بازداشت نمایندگان،

روندی است که در تاریخ

جمهوری اسلامی ایران سابقه

ندارد و به همین دلیل هم عده ای

این اقدام را سر آغاز اجرای

برنامه هایی دیگر، برای

ناکار آمد کردن مجلس می دانند

شورای نگهبان و محافظه کاران این اقدام را برخوانند تأیید و یا برای خنثی سازی آن اهرمی در اختیار دارند یا خیر.

درخواست همه پرسی قانون نیست که شورای نگهبان در مورد مغایرت یا عدم مغایرت آن با شرع مقدس اسلام نظر بدهد، نص صریح قانون اساسی است که حق خاصی را برای مجلس شورای اسلامی قایل شده است. اما استفاده از این حق در وهله نخست نیاز به هماهنگی و همدلی همه گروه های دوم خردادی دارد و دیگر آن که تفسیر یا نظر خاصی از سوی نهاد های مختلف ارایه و ابراز نشود.

تا زمان تهیه این نوشتار، انسجام لازم برای استفاده از این حق در بین تمامی نیروهای تشکیل دهنده جبهه دوم خرداد مشاهده نشد. یک خبر در همین زمان حاکی بود که شش نماینده مجلس در اعتراض به بازداشت آقای لقمانیان (نماینده

اصلاحات را خواند. لذا اکنون وقت آن است که نمایندگان اکثریت مجلس (اصلاح طلبان) و نیروهایی که بیرون از مجلس از جریان اصلاحات طرفداری می کنند، اقدامات قاطعی برای خنثی سازی این برنامه ها اجرا کنند.

اصلاح طلبان و تفاوت در دیدگاه ها

اکنون پرسش این است که گروه های دوم خردادی چه برنامه ای برای مقابله با این شرایط و چه ابزارهایی برای مقابله با برنامه های محافظه کاران در اختیار دارند؟

دو گروه افراطی و میانه روی فراکسیون اصلاح طلبان در مجلس و خارج از آن، نظریات متفاوتی را مطرح کرده اند. گروه رادیکال اصلاح طلبان حتی از این موضوع سخن گفته اند که نه فقط نمایندگان باید از مجلس استعفا دهند، بلکه مجموعه اصلاح طلبان از تمامی بخش های تصمیم گیری و اجرایی بیرون بیایند و مشروعیت خویش را همراه خود بیرون بکشند (شاهد: سخنان آقای عباس عبدی مندرج در روزنامه نوزده آذر: "...جنبش اصلاحی در شرایط فعلی می تواند اقدامی جدی بکند و آن هم بیرون آمدن دسته جمعی از حکومت است که به همراه آن مشروعیت خود را نیز همراه خود می آورند..."). گروه میانه روی اصلاح طلبان توسل جدی به ابزارهای قانونی را توصیه می کنند. پیشنهادهای آنها شامل موارد مختلفی نظیر تغییر قانون انتخابات حذف نظارت استصوابی و همه پرسی است.

در مورد خط مشی و عملکرد این گروه، ذکر یک رویداد و واکاوی آن، ضروری به نظر می رسد. این گروه پس از وضعیتی که در انتخابات میان دوره ای استان گلستان پیش آمد، مبادرت به تهیه طرح های دو و سه فوریتی کردند. در یکی از این طرح ها پیشنهاد شده بود که موضوع اختلاف فیما بین مجلس و شورای نگهبان به حکمیت مرجع ثالثی، غیر از مجمع تشخیص مصلحت نظام و نهاد های دیگر ارجاع شود. کارشناسان سیاسی، این پیشنهاد را یک "تست" تلقی کردند. برخی حتی آن را نوعی "زینهار دادن" دانستند که در آن این پیام مستتر بود: اگر مضایق از این بیشتر شود، ما به راه حل هایی متفاوت متوسل خواهیم شد.

به نظر می رسد طرح ۷۰ نفر از نمایندگان مجلس در خصوص تحقیق و تفحص در مورد اجرای ماده ۹۸۲ قانون مدنی (ناظر بر عدم تصدی مشاغل مهم به

عضو جناح اکثریت مجلس می گوید: "تا زمانی که مجلس بتواند از سازوکارهای قانونی برای پیش برد برنامه اصلاحات استفاده کند، این تلاش ادامه خواهد داشت و در غیر این صورت، به نظر می رسد باید در خصوص راهکارهای مناسب و جدید به توافق رسید."

وی در خصوص این راهکارهای مناسب و سازوکارهای قانونی می گوید: "به نظر من، راه های بسیاری در کشور وجود دارد من جمله اصلاح قانون انتخابات که در دستور کار مجلس هست و به زودی مورد بررسی قرار خواهد گرفت که اصلاح این قانون یکی از مهم ترین وظایف مجلس شورای اسلامی می باشد و در این زمینه باید منتظر ماند تا این مواد و اصلاحاتی که در نظر گرفته شده به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد."

در خصوص نحوه اعمال نظارت فعلی که در واقع به عنوان نظارت استصوابی به آن اشاره می شود، به هر حال در جامعه مخالفت های جدی در مورد ایفای نقش شورای نگهبان به این شکل وجود دارد که همان طور که اشاره کردم امیدوارم در اصلاحیه قانون انتخابات بتوانیم این مسایل را مورد بررسی قرار دهیم."

حجت الاسلام دکتر ابوالفضل شکوری عضو کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی و نماینده مردم زنجان در مجلس شورای اسلامی نیز نظارت استصوابی را مصوبه مجلس در قالب قانون انتخابات مصوب سال ۱۳۷۴ می خواند و بدون توجه به امکان استفاده از اصل ۵۹ قانون اساسی، می گوید: "این مصوبه اگر بخواهد عوض شود، باید به تایید مجدد شورای نگهبان برسد. حال اگر تایید نشود به مجمع تشخیص مصلحت نظام می رود و آنجا هر نظری دادند، آن نظر نهایی است، یعنی اگر مجمع تشخیص مصلحت از نظارت استصوابی حمایت کند آن وقت این نظارت دایمی می شود و مبنای کار خواهد شد."

گروهی ناظران سیاسی هم با توجه به موضع گیری ها و عملکرد پیشین شورای نگهبان، می گویند که در صورت تصویب اصلاحیه قانون انتخابات، این شورا به آن رای مثبت نخواهد داد و لذا چشم انداز حذف نظارت استصوابی هم چنان مبهم خواهد ماند. اصلاح طلبان در پاسخ به این تحلیل می گویند که ممکن است این طرح به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شود و در آنجا معطل بماند. خانم جمیله کدیور نماینده مردم تهران در این باره می گوید: "خب! مثل بقیه طرح هایی که دچار اشکال می شود، یا به

مجمع تشخیص مصلحت نظام می رود و یا در کمیسیون مربوطه سعی می کنند تا حدودی طرح را اصلاح کنند تا نظر شورای نگهبان تامین شود. چون مادو تاراه کار بیشتر نداریم، البته پیشاپیش نمی توان پیش بینی کرد، یا اینکه پس از برگشت از شورای نگهبان، که انشاءالله برگشت نخورد، کمیسیون سعی می کند مورد اختلاف را تا حدودی مرتفع نماید که نظر شورای نگهبان تا حدودی تامین شود و در غیر این صورت، طبیعی است که این مساله باید به مجمع تشخیص مصلحت نظام برود و مانند خیلی از مواردی که در مجمع تشخیص مصلحت نظام باقی مانده و هنوز نظر نداده اند، این هم ممکن است بماند."

در همین باره خانم فاطمه راکعی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون فرهنگی مجلس می گوید که در صورت رد طرح از سوی شورای نگهبان، وی به حل مشکل در مجمع تشخیص مصلحت نظام امیدوار است: "من اصولاً آدم خوش بینی هستم، فکری نمی کنم اگر مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام با مجلس شورای اسلامی رایزنی های لازم را انجام دهد، می تواند نظریاتی بدهد که شورای نگهبان و مجلس، هر دو موظف به پیروی و اطاعت از آن هستند. در این میان، آقای ابوالفضل شکوری نظر متفاوتی دارد و می گوید که ممکن است پیش از ارجاع طرح به مجمع تشخیص مصلحت نظام، اصلاح طلبان به برگزاری referendum متوسل شوند. وی ادامه می دهد: دوم خردادی ها می خواهند که به صورت مصوبه مجلس نباشد، بل که به صورت referendum و مراجعه به آرای عمومی باشد. البته این کار قبل از رفتن به مجمع تشخیص مصلحت نظام باید انجام شود، یعنی اگر واقعاً referendum را بخواهند، باید قبل از رفتن قانون به مجمع تشخیص مصلحت نظام باشد."

در عین حال، همه دوم خردادی ها هم با برگزاری همه پرسی موافق نیستند. خانم کدیور از جمله این افراد است: "من معتقد نیستم که در مورد هر مساله لازم باشد به آرای عمومی مراجعه کنیم یعنی تا زمانی که بشود از شیوه های دیگر استفاده کرد، بحث آرای عمومی و یا ارجاع به referendum شاید خیلی ضرورت نداشته باشد. راهکار referendum هم در مسایل بسیار مهمی است که در خود قانون اساسی به آن اشاره شده و دستورش را هم باید رهبری بدهد." خانم الهه کولایی نیز توسل به referendum را چندان ساده نمی داند: "شما حتماً اطلاع دارید که مکانیزم برگزاری referendum، برای مجلس دست بازی را قرار نداده که مجلس هر زمانی که خواست بتواند

referendum برگزار کند، به هر حال مسایلی هست که مجلس با آن روبه روست."

آقای دکتر غلامحسین الهام، سخنگوی سابق شورای نگهبان و استاد حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران نیز تصریح می کند: "... برای نظارت استصوابی نمی توان referendum برگزار کرد، واضح است که نمی شود، اصلاً این بدیهی بدیهی است..."

نظریات دیگر

در این میان و در حالی که برخی حقوق دانان تایید موضوع همه پرسی از سوی شورای نگهبان را ضروری می شمارند، برخی نمایندگان جناح اکثریت مجلس می گویند که در صورت توسل مجلس به همه پرسی، تصویب طرح برگزاری و اجرای آن، نیازی به تایید شورای نگهبان ندارند. در این رابطه، آقای دکتر محمد هاشمی، علت حقوقی لزوم تایید همه پرسی از سوی این شورا را چنین توضیح می دهد: از نظر حقوقی، بنده عرض می کنم همه پرسی را می توان برگزار کرد. منتها قانون همه پرسی، یعنی قانونی که می خواهد همه پرسی در مورد آن صورت گیرد، باید به تصویب و تایید شورای نگهبان برسد، یعنی شورای نگهبان می گوید موضوعی را که می خواهد به همه پرسی گذاشته شود به من نشان دهید، مبدا خلاف شرع یا خلاف قانون اساسی باشد، بعد که این قانون تایید شد، می شود همه پرسی برگزار کرد، دیگر هم شورای نگهبان لازم نیست."

در مقابل، آقای شکوری راد در مخالفت با این نظر، ابراز عقیده می کند: برگزاری referendum احتیاجی به رفتن به شورای نگهبان ندارد، مجلس تصویب می کند که مراجعه به آرای عمومی شود. referendum در دو موضوع صورت می گیرد گاهی در موضوع های اساسی است و گاهی هم در موضوع های کوچک و موردی، این از نوع دوم است و نیازی نیست که شورای نگهبان آن را تایید کند، چون این قانون نیست، چیزهایی که قانون می خواهد بشود به شورای نگهبان می رود.

البته تا به حال referendum صورت نگرفته که شیوه آن مشخص باشد اما از ظاهر قانون اساسی برمی آید که چنین نیست و در این مورد چون از ظاهر آن مشخص است، نیازی به تفسیر قانون اساسی از سوی شورای نگهبان نیست. یعنی وقتی قانون آشکار است، تفسیر نمی خواهد."